

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۱ مارچ ۲۰۱۶

اعلام کنفدراسیون دموکراتیک در روژاوا و موضع امریکا و ترکیه و... علیه آن

دولت‌های جهانی به‌ویژه منطقه، با سیستم خودگران و یا خودمدیریتی دموکراتیک در روژاوا مخالفند. چرا که این سیستم بسیار متفاوت و کاملاً مغایر با سیستم دولتی و سازمان‌دهی سرمایه‌داری جهانی‌ست و در واقع متأثر از گرایش‌های چپ و سوسیالیستی است. یعنی بحث بر سر نام نیست، بلکه بر سر حاکمیت و قدرت است که در جهان امروز از بالا به‌پائین است. یعنی پارلمان قوانین را تصویب می‌کند و دولت آن را اجراء می‌کند و هر کسی نیز آن قوانین را نقض کند تحت پیگرد قرار می‌گیرد. بنابراین، به‌ویژه دولت‌های ذی‌نفع در امور سوریه که در جنگ داخلی آن نیز حضور دارند بلافاصله با اعلام کنفدراسیون دموکراتیک در روژاوا و سوریه عکس‌العمل نشان دادند.

در کنفرانسی که با حضور ۲۰۰ نماینده از سازمان‌ها و احزاب و تشکل‌های سیاسی، مدنی، دموکراتیک و نظامی شمال سوریه از جمله نماینده‌هایی از نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک خلق‌ها (YPG)، ارتش دموکراتیک سوریه و اتحادیه دفاع زنان سوریه در منطقه «رمیلان» کانتون جزیره برگزار شده بود در نهایت پس از بحث و مذاکره در خصوص سیستم کنفدراسیون دموکراتیک و با در نظر گرفتن حقوق تمام اقلیت‌های ملی و مذهبی و غیره در منطقه، کنفدراسیون شمال سوریه با ۳ کانتون جزیره، کوبانی و عفرین اعلام وجود کرد.



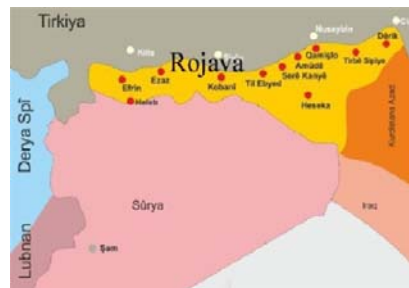
در این کنفرانس که نمایندگانی از کردها، عرب‌ها، ارمنه، ترکمن‌ها و سایر ملیت‌ها حضور داشتند متن روند ایجاد سیستم دموکراتیک در شمال سوریه با وجود تمام مخالفت‌های موجود در خصوص کنفدراسیون دموکراتیک شمال سوریه مصوب شد.

این اعلام کنفدراسیون، در شرایطی صورت می‌گیرد که مارک تونر سخنگوی وزارت خارجه امریکا در آخرین اظهارات خود بر یکپارچگی سوریه تأکید کرده و گفته بود ایجاد یک منطقه خودگردان کردی در شمال سوریه را تأیید نخواهیم کرد.

همچنین بر اساس اخباری که در خبرگزاری اسپوتنیک منتشر شده آمده است: کنفرانسی که از دیروز در منطقه رمیلان آغاز شده با انتشار متن روند ایجاد سیستم دموکراتیک شمال سوریه به‌کار خود پایان داده و کنفدراسیون شمال سوریه با ۳ کانتون تأسیس شده است.

احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های کرد و غیر کرد سوریه در کنفرانس «رمیلان» در شمال سوریه، گرد هم آمدند تا بنا به‌گفته خودشان اساسنامه حکومت «اتحاد دموکراتیک روژ آوا - شمال سوریه» را تدوین کنند. شرکت‌کنندگان مفاد این اساسنامه را تأیید و تشکیل کنفدراسیون دموکراتیک در شمال سوریه را اعلام کردند. منطقه روژ آوا که اکنون هیچ کشوری به‌طور رسمی آن را به رسمیت نشناخته است، از سه منطقه اصلی تشکیل می‌شود: ۱- عفرین ۲- کوبانی و ۳- جزیره. مردم این مناطق را کردها، اعراب، سریانی‌ها، آشوری‌ها، ارمنی‌ها، چچن و ترکمن‌ها تشکیل می‌دهد.

منطقه روژ آوا، قسمت شمال استان‌های حلب، رقه و حسکه را شامل می‌شود. شهرهای اصلی که در منطقه روژ آوا قرار دارند، عبارتند از: دیرک، کرکی لکی (معبد)، رمیلان، جل آغا (جوادیه)، تربه سبیه (قحطانیه)، قامشلو (القامشلی) عامودا، الدرباسیه، سریه کانیه (رأس العین)، کری سبی (تل ابیض)، کوبانی (عین العرب) و عفرین. هم اکنون روژ آوا (کردستان سوریه)، حدود ۴۰۰ کیلومتر از خاک سوریه در شمال این کشور را از مرزهای اقلیم کردستان عراق تا رود فرات در کنترل خود دارند. این مناطق هم مرز با ترکیه است. روژ آوا، همچنین یک منطقه مجزا به نام عفرین را که یکی از کانتون‌های خودگردان است در شمال غرب سوریه در اختیار دارند.



در کنفرانس رمیلان، نمایندگان روژ آوا (کردستان سوریه) و سوری‌ها و ارمنی‌ها، چچن‌ها، ترکمن‌ها و غیره که در مذاکرات ژنیو و عربستان حضور ندارند، روز پنجشنبه ۱۷ مارچ ۲۰۱۶ رسماً ایجاد یک منطقه کنفدراسیون دموکراتیک در مناطق تحت کنترل خود را در شمال این کشور اعلام کردند. دولت بشار اسد و مخالفان وی که سرگرم مذاکرات صلح در ژنیو هستند با این تصمیم مخالفت کرده‌اند.

سیهانوک دیبو، از رهبران حزب اتحاد دموکراتیک کردستان سوریه با اعلام این مطلب افزوده است که سیستم خودگردان دموکراتیک در منطقه «روژ آوا» (کردستان سوریه) به‌تصویب رسید.

آلدر خلیل از اعضای کمیته تدارکات طرح ایجاد منطقه مستقل یا «روژ آوا» نیز گفته است که موجودیت سیاسی جدید مرکب از سه منطقه «عفرین»، «کوبانی» و «جزیره» در منطقه کردنشین سوریه است.

با این حال، کردهای سوریه تأکید کرده‌اند که منطقه مستقل جدید بر اساس ملاحظات ملی تشکیل نشده است، زیرا، به‌غیر از کردها، نمایندگان عرب‌ها و دیگر ملیت‌های سوری نیز در منطقه جدید حضور دارند.

منصور السلوم، یکی از رؤسای مجلس مؤسسان حکومت خودگردان کردستان سوریه، نهادی که وظیفه اجرای تصمیم نظام کنفدراسیون دموکراتیک و خودگردانی کردستان سوریه را بر عهده دارد در این باره گفته است: «سوریه آینده برای همه مردم سوریه است و این کشور سزاوار آن است که دولتی فدرال و دموکراتیک با تکیه بر همه اقشار جامعه داشته باشد. بر همین اساس، ما تصمیم گرفته‌ایم که سیستم دموکراتیک روژاوا را در شمال سوریه پیاده کنیم. وی گفت: «ما درباره انتخاب دو رئیس برای مجلس مؤسسان که نهادی قانون‌گذار متشکل از ۳۱ عضو است تصمیم‌گیری کرده‌ایم.»

نهادهای سازمان‌های کرد و غیرکرد سوریه، از قبل سه اداره خودگردان را (عفرین، کوبانی و جزیره) در شمال سوریه ایجاد کرده بودند. این منطقه اکنون نیروهای دفاعی و امنیتی و سیاست‌ها و قوانین و مدارس خاص خود را دارند. این سه منطقه در امتداد مرز سوریه با ترکیه واقع شده‌اند.

رهبران روژاوا می‌گویند از پنج سال پیش که کنترل مناطق کردنشین را به دست گرفته‌اند تجربیات زیادی در زمینه اداره مناطق تحت کنترل خود به دست آورده‌اند و در نتیجه برقراری کنفدراسیون دموکراتیک در مناطق روژاوا لازم بود.

آن‌ها اعلام کرده‌اند کنفدراسیون دموکراتیک که در این مناطق ایجاد خواهد شد بر اساس خطوط سرزمینی و نه قومیت خواهد بود و به هیچ وجه هم به دنبال استقلال نیست.

هدیه یوسف، یکی از رؤسای مجلس مؤسسان منطقه خودگردان کردستان سوریه در این باره گفته است: «۳۱ نماینده منتخب مجلس مؤسسان وظیفه اجرای تصمیمات گرفته شده در خصوص خودگردانی در مناطق کردنشین سوریه طی شش ماهه آینده را دارند.»

منصور السلوم افزود: هر منطقه‌ای که یگان‌های مدافع خلق (YPG)، آزاد کند می‌تواند به این نظام بپیوندد. ما در نظر داریم رقه و دیرالزور و همه سوریه را آزاد کنیم.

کردهای سوریه که حدود ۱۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند از سال ۲۰۱۱ که جنگ داخلی سوریه آغاز شده است تاکنون مواضع مستقل خود را از حکومت مرکزی سوریه و مخالفین آن دارند.

ادریس نسان، مسئول روابط خارجی کانتون کوبانی در گفتگو با خبرگزاری رویترز عنوان کرده است: سیستم خودگردانی که توسط مردم کرد و سایر اقلیت‌های شمال سوریه به وجود آمده است باید توسعه پیدا کند. ۳ کانتون جزیره، کوبانی و عفرین در شمال سوریه که عمدتاً تحت کنترل نیروهای YPG قرار دارند را فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه اعلام می‌کنیم و الگوی تمام کسانی خواهیم بود که در این مناطق زندگی می‌کنند.

بعد از اظهارات نسان در خبرگزاری رویترز، مجلس مؤسسان شمال سوریه، در منطقه رمیلان از کانتون جزیره با حضور ۲۰۰ عضو خود تشکیل جلسه داده و مسأله اعلان کنفدراسیون دموکراتیک در شمال سوریه را بررسی کرده‌اند. پیش‌نویسی که در این جلسه ارائه شده است به‌مواردی مانند مناطق خودگردان دموکراتیک در سوریه، اقتصاد متکی به‌خود و اقدامات امنیتی و دفاعی پرداخته است.



صالح مسلم، رهبر مشترک حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه درباره این کنفرانس گفت: این کنفرانس اساس این که چگونه تشکل‌های ساکن این مناطق با هم تعامل خواهند کرد را تعیین می‌کند.

وی در مصاحبه دیگری با خبرگزاری اسپوتنیک گفت: ما با این که به‌نظام کنفدراسیونی رای داده‌ایم در داخل مرزهای کنونی سوریه خواهیم ماند.

یگان‌های مدافع خلق (YPG)، شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک (PYD)، که بیش‌تر با نام اختصاری «پی‌پ‌گ» شناخته می‌شود، نیروهای داعش را از این مناطق بیرون رانده‌اند. اما ترکیه، یگان‌های مدافع خلق را «گروهی تروریستی» و وابسته به حزب کارگران کردستان ترکیه می‌داند. ترکیه حزب کارگران کردستان ترکیه (پ‌ک‌ک)، را نیز تروریستی اعلام کرده است.

آلدار خلیل، از مقامات ارشد کردهای سوریه و سازمان‌دهنده کنفرانس رمیلان به‌رادیو استرالیا گفت: کردها در پی یافتن راهی برای متحد کردن و یکپارچه کردن قلمروهای تحت کنترل خود بودند و کنفدرالیسم دموکراتیک بهترین راه حل بود. وی افزود: ما تمام هم و غم خود را وقف ایجاد سیستم فدرالی در روژاوا و شمال سوریه کرده‌ایم.

واکنش‌ها به اعلام تشکیل منطقه کنفدراسیون دموکراتیک توسط رهبران روژاوا در شمال سوریه، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که این روزها مورد توجه مطبوعات و رسانه‌های بین‌المللی منطقه‌ای قرار گرفته است.

به گزارش روزنامه ملیت ترکیه، سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه در لندن اعلام کرد: بعد از مطرح شدن مباحثی که از جانب حزب اتحاد دموکراتیک سوریه (PYD) پیرامون کنفدراسیون شمال سوریه مطرح شد؛ همان روز شاهد درگیری‌هایی میان نیروهای وابسته به حزب اتحاد دموکراتیک سوریه و نظامیان ارتش سوریه در منطقه قامیشلی بودیم. بخش بزرگی از منطقه قامیشلی، تحت کنترل نیروهای YPG قرار دارد و بخشی از این منطقه تحت کنترل نیروهای نظامی دولت مرکزی قرار دارد. فرودگاه ستراتیژیک این منطقه نیز در کنترل نیروهای وابسته به دولت مرکزی است. بعد از اعلام کنفدراسیون در شمال سوریه، درگیری‌های میان این دو نیرو صورت گرفته و نیروهای YPG با آتش توپخانه بناهای دولتی در این منطقه را مورد هدف قرار دادند.

اندکی پس از اعلام استقلال منطقه شمال سوریه، وزارت امور خارجه حکومت سوریه، نسبت به هر نوع اقدامی برای زیر سؤال بردن تمامیت ارضی این کشور هشدار داد و ادعا کرد که اعلام استقلال منطقه شمال سوریه فاقد هرگونه ارزش حقوقی، سیاسی و اقتصادی است، زیرا، هیچ‌یک از آحاد و گرایش‌های سیاسی مردم سوریه در این تصمیم‌گیری نقش نداشته‌اند.

بر اساس گزارش «سانا» (خبرگزاری رسمی سوریه)، در پی اعلام تشکیل حکومت فدرالی در مناطق تحت کنترل کردها، دولت سوریه مخالفت خود را با نظام فدرالی کردها اعلام کرد. یک منبع در وزارت خارجه سوریه با هشدار نسبت به اقدام علیه وحدت ملت و سرزمین سوریه، تأکید کرده که طرح موضوع اتحادیه یا حکومت فدرالی، موجب آسیب به وحدت سرزمینی سوریه خواهد شد و این مسأله با قانون اساسی و مفاهیم ملی و تصمیمات بین‌المللی در تناقض است. به گفته او، اعلامیه‌هایی از این دست، هیچ ارزش قانونی ندارد و هیچ تأثیر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تا زمانی که برخاسته از اراده تمامی اقشار سوریه نباشد، نخواهد داشت.

اعلام این خبر خشم ترکیه را برانگیخته و مذاکرات ژنیو را بیش از پیش دشوار کرده است. وزارت خارجه ترکیه در بیانیه‌ای به مطرح شدن اجرای نظام کنفدراسیون دموکراتیک در سوریه واکنش نشان داد. وزارت خارجه ترکیه روز

چهارشنبه ۲۶ اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۴، در بیانه ای ضمن حمایت از تمامیت ارضی سوریه، اعلام کرد: تبلیغات یکجانبه‌ای که در مورد فدرالی‌شدن سوریه مطرح می‌شود، باطل است.

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه، روز جمعه ۱۸ مارچ ۲۰۱۶، با انتقاد از نحوه برخورد اروپا با پناهندگان گفت، اروپا قبل از این‌که بخواهد خواسته‌های خود را بر ترکیه دیکته کند خود نیازمند بازنگری بیش‌تری نسبت به‌مسأله حقوق مهاجران است.

اردوغان در یک سخنرانی که به‌صورت زنده از تلویزیون رسمی ترکیه پخش شد، گفت، اروپا با حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از تروریست‌ها بر «میدانی از مین می‌رقصد».

اردوغان، ادعا گفت: «اروپائی‌ها در موضع‌گیرهای خود در برابر گروه‌های تروریستی صادق و شفاف نیستند». اردوغان اظهار داشت: «هیچ دلیلی وجود ندارد بمبی که در آنکارا منفجر شد، در بروکسل و یا هر شهر دیگر اروپا منفجر نشود. با وجود این واقعیت، کشورهای اروپائی هنوز بی‌خردانه عمل می‌کنند و این مانند رقصیدن در میدان مین است، اصلاً مشخص نمی‌کند که کی پا بر روی مین خواهی گذاشت؛ اما سرانجام آن روشن است». او افزود: «بهرغم این واقعیت‌ها اما کشورهای اروپائی هنوز هم به این مسأله اهمیت نمی‌دهند و مانند کسی است که بر میدان مین می‌رقصد».

خبرگزاری روسی «اسپوتنیک»، «اظهارات معاون وزارت خارجه روسیه در این زمینه بازتاب داده که گفته کردها به‌طور یکجانبه و خارج از مذاکرات ژنیو نمی‌توانند درباره مسائل مربوط به‌فدرالی‌شدن مناطق کردنشین در سوریه تصمیم بگیرند. میخائیل بوگدانف گفته است: «مذاکرات درباره سوریه، از جمله مسائلی مانند برقراری آتش‌بس و فرایند سیاسی و ثبات در این کشور، باید در یک روند فراگیر و در قالب مذاکرات سوری- سوری انجام شود». این مقام روس تأکید کرده که هیچ‌یک از طرف‌ها نباید موضع خود را به‌دیگری تحمیل کند بلکه هرگونه تصمیم‌گیری باید بر اساس توافق انجام شود.

ایتارتاس، دیگر خبرگزاری روسی، اظهارات سخنگوی رئیس‌جمهور این کشور را مورد توجه قرار داده که بر ضرورت حفظ سوریه به‌عنوان کشوری یکپارچه تأکید کرده است. به‌گفته دیمتری پسکوف، نظام حکومتی سوریه مسأله‌ای داخلی است که فقط به‌مردم سوریه مربوط می‌شود. وی نیز همچون بوگدانف اظهار داشته: «این موضوع باید درچارچوب مذاکرات ملی سوریه که در آن تمام گروه‌های قومی و مذهبی ساکن سوریه شرکت می‌کنند، از جمله کردها، سنی‌ها و علوی‌ها حل و فصل شود... برای روسیه اهمیت فراوان دارد که سوریه کشوری یکپارچه باقی بماند». در عین حال، این مقام روس تأکید کرده که روسیه، همواره بر مشارکت کردهای سوریه درمذاکرات ژنیو تأکید دارد.

راشا تودی، اظهارات ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه را بازتاب داده که درباره عملیات نظامی کشورش در سوریه سخن گفته است. پوتین در مراسم استقبال از فرماندهان و نظامیان نیروی هوایی این کشور پس از بازگشت از سوریه، عملکرد آن‌ها را خوب و موثر توصیف کرد و گفت: «هدف عملیات ما، جلوگیری از رسیدن تروریست‌ها به‌روسیه است و مواضع آن‌ها را در سوریه منهدم کردیم». او همچنین تأکید کرده: «روسیه این توان را دارد که طی چند ساعت، حضور نظامی خود را در سوریه تقویت کند. روسیه به‌منظارت بر آتش بس سوریه ادامه خواهد داد. تصمیم روسیه برای خروج بخشی از نیروهای خود از سوریه، با موافقت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه انجام شد».

به‌نوشته خبرگزاری فرانسه، امریکا هشدار داده تلاش گروه‌های کرد را در کشور جنگ‌زده سوریه برای تشکیل یک منطقه فدرالی خودگردان به‌رسمیت نخواهد شناخت و از چندپاره شدن سوریه حمایت نمی‌کند و هرگونه مدل فدرالی،

باید از دل گفت‌وگوهای صلح بیرون بیاید. مارک تونر، سخنگوی وزارت خارجه امریکا گفته: «ما بهروشنی گفته‌ایم هیچ‌گونه منطقه خودگردان را در سوریه به رسمیت نمی‌شناسیم».

به‌نوشته خبرگزاری رویترز، استفان دی میستورا، نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه که وظیفه هماهنگی مذاکرات را بر عهده دارد نیز درباره تصمیم اخیر رهبران روژاوا، به‌موضع‌گیری پرداخته و گفته هم دولت سوریه و هم معارضین، فدرالی‌شدن سوریه را رد می‌کنند. او در این زمینه گفت: «اختلافات بین هیئت دولت سوریه و معارضان هنوز گسترده است؛ اما دو طرف درباره مسأله ارزشمندی همچون وحدت سوریه و احترام به اقلیت‌ها نظر واحد دارند و هر دو سیستم فدرالی را رد می‌کنند».

او همچنین گفته که با نمایندگان دولت سوریه و معارضان مقیم ریاض در مورد مسأله بازداشت شده‌ها و اسیران رایزنی کرده است. دی میستورا افزوده: «درباره مسائل اصلی به‌توافق رسیده‌ایم؛ اما آن‌چیزی که در ابتدا به‌آن نیاز داریم، فهم مشترک است».

به گزارش رویترز یک دیپلمات دیگر عضو شورای امنیت نیز تأیید کرده است که طرح تقسیم فدرالی سوریه در حال بررسی است. این دیپلمات‌ها توضیح بیشتری در خصوص ویژگی‌های طرح فدرالی سوریه ارائه نکرده است. مخالفان حکومت بشار اسد که از جانب عربستان سعودی حمایت می‌شوند، طرح پیشنهادی روسیه برای توافق بر تقسیم فدرالی سوریه را رد کردند.

ریاض حجاب، «رئیس هیات عالی مذاکرات»، پیش‌تر گفته بود: هرگونه اشاره به‌فدرالیسم و هر طرحی که در برگیرنده تقسیم سوریه باشد، غیر قابل قبول است. این مخالف حکومت سوریه توضیح بیشتری در خصوص طرح پیشنهادی روسیه ارائه نکرده بود.

جالب آن است که تاکنون در مذاکرات صلح سوریه، دولت‌ها و در راس همه ترکیه، مانع حضور حزب دموکراتیک کردهای سوریه شده‌اند. حیرت‌آور این است که در غیاب شهروندان سوریه و کردستان سوریه، دولت‌های دیگر با نیروهای مورد پذیرش و طرفدار خودشان در جنگ داخلی سوریه، درباره سرنوشت آینده مردم سوریه، تصمیم می‌گیرند.

رابطه کردهای سوریه با دولت اسد را باید از زمان زمامداری **حافظ اسد** بررسی کرد. به‌طور کلی از آن زمان تا به‌امروز، رابطه خوب و حسنه‌ای بین کردها و دولت سوریه نبوده و بسیاری از کردهای سوریه از دولت‌های این پدر و پسر نفرت دارند. از زمان به‌قدرت رسیدن حافظ اسد در سوریه، کردها در این کشور به‌طور سیستماتیک سرکوب شده‌اند. در سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ که حزب بعث در سوریه قدرت را در دست گرفت، تأکید حزب بعث بر ناسیونالیسم عربی، تنش را میان کردها و اعراب افزایش داد. زبان کردی هرگز رسمیت نیافت و استفاده از آن در اماکن رسمی ممنوع شد. حق شهروندی تا سالیان طولانی به‌آن‌ها اعطاء نگردید و در حال حاضر هم برخی از کردها شهروند این کشور محسوب نمی‌شوند.

دولت اسد، همواره معتقد بود که بسیاری از کردها تحت تأثیر بحران‌های کشور همسایه در طول ۱۹۲۰ به‌سوریه فرار کرده‌اند و آن‌ها به‌عنوان افراد بومی سوریه شناخته نمی‌شوند. با این‌که دولت سابقه طولانی حضور آن‌ها را در خاک سوریه تأیید می‌کرد اما از این مسأله برای توجیه سیاست‌های تبعیض‌آمیز خود استفاده می‌نمود.

با آغاز بحران داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، کردها که دل‌خوشی از سیاست‌های دولت اسد نداشتند در جایگاه مخالف دولت حاضر شدند و حتی علیه دولت در تظاهرات شرکت کردند. اما رفته‌رفته که اقدامات دولت و ارتش و نیروهای

امنیتی و گروه‌های جنگ‌طلب اسلامی علیه حکومت مرکزی حالت خشونت‌آمیز و مسلحانه گرفت، کردها با این سیاست و اهداف دولت و اپوزیسیون مذهبی آن مخالفت کردند.

بشار اسد پس از شروع نا آرامی‌ها دو راه را در پیش رو داشت. راه اول کناره‌گیری و راه دوم اجرای اقدامات اصلاحی در ساختار سیاسی سوریه که البته او راه دوم را برگزید. البته واکنش بشار اسد به تهدید کردها هوشمندانه بود و توانست در اصلاحات خود جایگاه کردها را ارتقا بخشد. او که می‌دانست سال‌ها ظلم و ستم بر علیه کردهای کشورش روا داشته است چند اقدام اساسی را مدنظر قرار داد. نخست در اصلاحات خود حق شهروندی را برای مردم کرد محترم شمرد و فقط در یک مرحله به ۱۵۰۰۰۰ نفر از کردهای سوریه حقوق شهروندی به رسمیت شناخت. در کنار این مسأله، سپردن مسئولیت‌های مختلف به کردها و استفاده از ظرفیت خود آن‌ها برای مدیریت مناطق کردنشین اقدام دیگر بشار اسد بود. اسد همچنین به صورت تدریجی نیروهای خود را در مناطق کردنشین کاهش داد و اجباراً آن‌ها را به مناطق درگیر جنگ داخلی فرستاد. اسد با این اقدام خود توانست از هرگونه اصطکاک و تنش بین نیروهای خود با کردها جلوگیری نماید. در واقع این اقدامات اسد، تلاشی بود که از شورش مردم کرد جلوگیری کند. در واقع نیروهای دولتی سوریه بر اثر جنگ، مناطق کردنشین را ترک کردند و کنترل کردستان سوریه در حال حاضر در دست نیروهای کرد و دیگر ساکنان این منطقه است. قامشلی، عفرین و مالکیه شهرهای کردنشینی هستند که به دست حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه افتاد. این حزب با کنترل جاده‌ها و عبور مرور افراد توانست تا حد زیادی از انتقال درگیری‌ها به شهرهای کردنشین جلوگیری کند. حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه (PYD)، قدرت‌مندترین و اجتماعی‌ترین حزب روزاوا است. باید توجه داشت که در یک جنگ داخلی، طرفین درگیر سعی می‌کنند از تمامی ظرفیت‌های موجود استفاده کنند و شرایط را به نفع خود رقم بزنند. از این رو مخالفان اسد هم برای جذب کردها تلاش کردند اما تاکنون در این راه موفق نشده‌اند.

به این ترتیب، امروز کردهای سوریه نقش مهمی را در تحولات سوریه بازی می‌کنند. اگرچه کمترین بخش اخبار بحران سوریه متعلق به کرد ها است ولی شاید بیش‌ترین نقش در روند آینده سیاسی سوریه، متعلق به آن‌هاست.

اما هنگامی که در سال ۲۰۱۱ میلادی، وقایع مربوط به قیام کشورهای عربی که به «بهار عربی» معروف گردید شروع شد، حزب «عدالت و توسعه اسلامی» که در ترکیه بر سر کار بود سریعاً به موضوع‌گیری در این خصوص پرداخت. چرا که سران دولت ترکیه، رویای احیای امپراطوری «نئوعثمانی» را در سر می‌پروراندند این فرصت را غنیمت شمردند تا ایدئولوژی اسلامی خود را به این قیام‌ها تزریق کند. غرب و در راس همه ایالات متحده آمریکا نیز از این سیاست و ایدئولوژی اسلامی سران ترکیه حمایت می‌کرد تا به اصطلاح «اسلام رادیکال حکومت اسلامی ایران» در منطقه محدودتر شود. به خصوص در مصر اخوان المسلمین به قدرت رسید و مرس رهبر این جریان نیز رئیس جمهور این کشور شد. در چنین شرایطی، دولت ترکیه و نخست وزیر وقت آن رجب طیب اردو خان که اکنون رئیس جمهور این کشور است، با حرص و ولع و قدرت‌طلبی بی‌پایانی به مصر سفر کرد. اما با کودتای ژنرال السیسی این رویای اردو خان بر باد رفت. رابطه تنگاتنگ ترکیه با عربستان نیز از همین سیاست نئوعثمانی نشأت می‌گرفت اما به عکس خود تبدیل شد و دولت ترکیه را هر چه بیشتر به ویژه به لحاظ اقتصادی، به سعودی‌ها وابسته کرد. البته در مقابل کمک‌های مالی کلان عربستان، دولت ترکیه نیز با دست و دل بازی «سخت‌مندان‌های» مناطق خوش آب و هوای ترکیه را به سرمایه‌داران و شاهزادگان عربستان واگذار کرده است. بنابراین به خوبی در مواضع ترکیه نسبت به قیام‌های صورت گرفته در تونس، مصر و لیبی کاملاً مشخص است. اما ترکیه چنین موضع سریع و مشخصی را هنگامی که اعتراضات پراکنده در سوریه شروع شد، نه تنها اتخاذ نکرد بلکه نخست وزیر وقت این

کشور رجب طیب اردو خان دارای روابط صمیمی و نزدیک و حتی شخصی با رئیس جمهور سوریه بشار اسد بود و از او با عنوان برادر عزیزم یاد می‌کرد.

این رویکرد ترکیه و در راس آن اردو خان به سوریه و شخص بشار اسد به یکباره و پس از دیدارهایی که فرستادگان او، وزیر امور خارجه وقت احمد داووداوغلو و رئیس سازمان اطلاعاتی ترکیه حاکان فیدان با بشار اسد در دمشق داشتند، ناگهان تغییر کرد و ترکیه به یکی از بزرگترین حامیان گروه‌های مخالف و حتی بعضاً گروه‌های تروریستی اسلامی که با دولت سوریه می‌جنگیدند تبدیل شد. اما دلیل این تغییر رفتار آنی و یکباره چه بود؟ اردو خان توسط فرستادگان خود از بشار اسد چه خواسته بود؟

از سوی دیگر، همان دوره هیئتی از احزاب مخالف و اپوزیسیون ترکیه و همچنین فعالان سیاسی مستقل این کشور دیداری از دمشق و با شخص بشار اسد داشتند که در نوع خود جالب توجه بود، جواب پرسش‌های مطرح شده در بالا را با پروفسور محمت یووا استاد دانشگاه دمشق و هماهنگ‌کننده دیدار هیئت ترک با بشار اسد مطرح داده است.

پروفسور محمت یووا (Mehmet Yuva) محقق و نویسنده و استاد دانشگاه دمشق است. او مترجم ویژه و مشاور بشار اسد رئیس جمهور سوریه و همچنین دارای روابط نزدیک شخصی با اوست، که این نزدیکی باعث شده تا وی دارای اطلاعات خاص و دست اولی از وقایع منطقه و مخصوصاً سوریه باشد.

محمت در مقابل سؤالی که از وی شده بود «سیاست منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه و شخص اردو خان را مخصوصاً در مورد بحران سوریه چگونه ارزیابی می‌کنید؟»

او چنین جواب می‌دهد: «برای دانستن چرایی و علل نوع سیاست خارجی حکومت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه باید کمی به قبل برگردیم. اردو خان قبل از این بارها خودش عنوان کرده بود که به عنوان یکی از مجریان طرح خاورمیانه بزرگ که توسط ایالات متحده آمریکا برای منطقه طراحی شده، به شمار می‌رود.

اگر ریشه‌های تر به مسأله نگاه کنیم، خواهیم دید که اصل روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه به خاطر این بود که رهبران و مؤسسين این حزب به امریکای پس از ۱۱ سپتامبر که در فکر تغییر منطقه و حمله نظامی به عراق بود، قول مساعد داده بودند که در اجرای نقشه‌های ایالات متحده آمریکا در منطقه و حمله به عراق با این کشور همراهی تمام و کمالی را خواهند داشت. در درک و فهم این نقطه که اردو خان با قبول معاونت در اجرای طرح خاورمیانه بزرگ، زمینه روی کار آمدن حزب متبوعش را فراهم آورده است، بسیار لازم و ضروری است. حال چرا این موضوع را مطرح می‌کنم؟ علت این است که پروژه خاورمیانه بزرگ می‌خواهد تا نظام‌های سیاسی حاکم بر منطقه را از ریشه و به صورت بنیادی دگرگون سازد. البته کاملاً مشخص است که این تغییرات وسیع نه به سود و منفعت مردم منطقه، بلکه در راستای منافع ایالات متحده آمریکا، از آن مهم‌تر منافع و امنیت اسرائیل، کنترل منابع غنی نفت و گاز موجود در منطقه و همچنین کنترل شاهراه‌های انتقال این منابع انرژی است و چنین اهدافی را دنبال می‌کند.» «در واقع دولت اردو خان پیاده کننده طرح خاورمیانه بزرگ مورد نظر آمریکا بود؟

وی اضافه می‌کند که «در دیداری که با رئیس جمهور سوریه بشار اسد داشتیم، یکی از سؤالاتی که از آقای اسد پرسیده شد، این موضوع بود. سؤال این بود که، آقای اسد در حالی که قبل از شروع بحران سوریه میان شما و اردو خان روابط بسیار صمیمی و خاصی برقرار بود، این روابط چرا به یکباره گسست و دلیل خشم و غضب اردو خان اکنون نسبت به شما چیست؟ آقای بشار اسد در جواب این پرسش این پاسخ را داد که هنگامی که داوداوغلو و حاکان فیدان که حامل پیام‌هایی از سوی اردو خان بودند، به دیدار آمدند، به نیابت از سوی اردو خان خواستند که به اخوان المسلمین پست‌های وزارتتی داده شود که بشار اسد در پاسخ به این خواسته آن‌ها را در تضاد با قانون اساسی سوریه خوانده بود.»

به این ترتیب، از آن موقع اردوخان که رویای روی کار آوردن اخوان المسلمین از تونس تا مصر و از لیبی تا سوریه را در سر می‌پروراند، به یکباره دوستی صمیمی خود با سوریه و بشار اسد را به خشم و غضب تبدیل کرد.

از سوی دیگر، «جان کری» وزیر امور خارجه امریکا، گفته است که اگر آتش‌بس فعلی در سوریه شکست بخورد چاره‌ای نمی‌ماند جز این که به «پلان بی» یا «طرح ب» رجوع شود. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه گفته که درباره چنین طرحی با طرف امریکائی صحبت نکرده و ویتالی چورکین، نماینده روسیه در سازمان ملل از واشنگتن خواسته که درباره طرح «ب» که کری درباره آن صحبت کرده است، توضیح دهد. واکنش‌های روسیه اگرچه با سکوت ایالات متحده همراه شد و واشنگتن حاضر نشد حرفی درباره پلان بی بزند اما برای همه این سؤال پیش آمد، پلان بی چیست؟ امریکا از چه طرحی صحبت می‌کند و طرح جایگزینی که کری درباره آن صحبت کرده است، کدام است؟

اما کارشناسان و تحلیل‌گران امور منطقه به خوبی می‌دانند منظور از پلان بی چیست. پلان بی همان طرحی است که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان خاورمیانه به‌ویژه کسانی که دستگاه‌های امنیتی امریکائی و غربی را متهم می‌کنند که در صدد تجزیه منطقه هستند، همان تجزیه سوریه است. طرحی که از همان ابتدای بحران سوریه به میان آمد و حتی گفته شد هنری کسینجر، وزیر امور خارجه اسبق امریکا در گفت‌وگو با یک روزنامه لهستانی صحبت از لزوم اجرای آن مثل دیگر کشورهای عربی حتی به‌زور اسلحه و خون‌ریزی‌های بسیار کرد.

این طرح در امریکا طرفداران بسیاری دارد. بسیاری از متخصصان اندیشکده‌های مهم امریکائی بر این باورند که خاورمیانه به‌شیوه فعلی نمی‌تواند برقرار بماند و کشورهای عربی همگی باید تجزیه شوند. در رسانه‌ها بسیار می‌شنویم که از پایان یافتن تقسیم‌های مرزی کشورهای عربی بر اساس طرح سایکس - پیکو حرف می‌زنند. عملاً هم اکنون عراق و لیبی بر اساس همین ایده تجزیه شده‌اند و سوریه هم همین‌طور.

به هر حال، اگر ایالات متحده بخواهد پلان بی را در سوریه پیاده کند به این شکل خواهد بود که نیروهای خود را از شمال و جنوب سوریه یعنی از طریق ترکیه و اردن وارد سوریه خواهد کرد تا به این ترتیب منطقه جدیدی تحت کنترل خود به وجود آید. برای این که مشکلات سابق بر سر عراق تکرار نشود و متهم به اشغال سرزمینی عربی نشود، از نیروهای کشورهای عربی و اسلامی استفاده خواهد کرد که در راس آن‌ها عربستان سعودی، اردن، ترکیه، قطر و امارات متحده عربی خواهند بود. این سناریو تحت عنوان ائتلاف مبارزه با داعش در حال انجام است.

در این میان تاکنون بازندگان اصلی مردم سوریه و مردم ترکیه هستند، چه بشار اسد در قدرت بماند و آتش‌بس فعلی ادامه یابد چه امریکا بخواهد پلان بی را آغاز کند و ورود نظامی به سوریه را تسریع کند.

برای همین اردوخان با عصبانیت دائماً خطاب به جهان می‌گوید که باید میان ترکیه و کردها یکی را انتخاب کنند. ترکیه از این می‌ترسد که با تحکیم موقعیت روژاوا کردستان سوریه و خودمدریتی دموکراتیک به کردستان ترکیه نیز برسد. برای همین در هر حالتی دولت ترکیه خود را بازنده تحولات سوریه می‌داند.

پروژه خاورمیانه بزرگ می‌خواهد با به کنترل درآوردن منابع و خطوط انتقال انرژی موجود در منطقه، امریکا و متحدانش تنها بازیگر و تصمیم‌گیرنده در مورد نفت و گاز باشند. این پروژه می‌خواهد تا به شرکت‌های بزرگ نفتی جهان که به هفت خاوران نفتی شهرت دارند، در آینده نیز امکان ادامه امپراطوری‌شان را بدهد. این طرح به دنبال این است تا به اختلافات مذهبی در این منطقه دامن بزند و بدین وسیله زمینه‌ساز ادامه مناقشات میان جوامع و کشورهای منطقه باشد.

در همین راستا نیز به‌مورد و اتفاق مهم اشاره می‌کنم. اولی مربوط به ماه مارچ ۲۰۰۳ میلادی است. در این برهه اردوخان نخست وزیر و عبدالله گل رئیس جمهور وقت ترکیه تلاش بسیاری کردند تا طرحی را در مجلس ترکیه به تصویب برسانند که

در صورتی که این طرح تصویب می‌شد، ایالات متحده آمریکا اجازه می‌یافت تا بیش از ۶۰ هزار نفر از زبدمترین نیروهای عملیات ویژه خود را در بخش‌های جنوب شرقی ترکیه و در راستای مرزها با کشور عراق مستقر و برای اشغال این کشور از سمت شمال عملیات وسیعی را شروع کند. اما در آن مقطع زمانی و مخصوصاً با روشنگری که اپوزیسیون و همچنین مخالفتی که رئیس ستاد فرماندهی ارتش ترکیه با این طرح کردند، این لایحه در مجلس تصویب نشد.

اما نکته دوم، این بود که برخلاف تصور غالب، پس از اشغال عراق به‌دست آمریکا، سوریه تبدیل به یکی از مهمترین کشورهای منطقه گشت. در سال ۲۰۰۴ میلادی کالین پاول وزیر امور خارجه وقت آمریکا سفری را به دمشق داشت و در این سفر با بشار اسد دیدار کرد. این دیدار بسیار مهم بود و در اوضاع کنونی منطقه که الان شاهد هستیم بسیار تأثیر داشت. دیدار بشار اسد و پاول از این جهت که چرا بعد از این دیدار اردوخان تبدیل به اجرای ماموریت محوله از سوی آمریکا شد و چرا هم‌اکنون به این شدت با بشار اسد ضدیت می‌کند بسیار مهم است. در دیدار مذکور وزیر امور خارجه آمریکا از اسد خواست تا به‌چندین خواسته ایالات متحده آمریکا عمل کند که عبارت بودند از: عدم کمک به اپوزیسیون عراق و هر گونه نیروی مردمی که مخالف حضور و اشغال کشورشان توسط آمریکا هست؛ قطع رابطه با گروه‌های مبارز فلسطینی که برای آزادی فلسطین با اسرائیل در حال مبارزه هستند و یا حداقل جلوگیری از فعالیت‌های نظامی این گروه‌ها؛ ایجاد فاصله با حرکت حزب‌الله لبنان، اما از همه مهم‌تر نیز تجدید نظر در روابط سوریه با متفق استراتژیک خود، یعنی حکومت اسلامی ایران. این‌ها خواست‌های آمریکا از بشار اسد بود که در دیدار کالین پاول در سال ۲۰۰۴ با وی مطرح شد.

هنگامی که بشار اسد، بسیاری از این خواست‌های آمریکا را رد کرد، مورد خشم شدید این کشور قرار گرفت و ما به راحتی این خشم و غضب مقامات آمریکائی نسبت به سوریه را در اظهارات این اشخاص و مخصوصاً جورج بوش شاهد بودیم. در اواخر سال ۲۰۰۴ میلادی، حمله قریب‌الوقوع ایالات متحده آمریکا به سوریه، به‌صورت بسیار جدی مطرح بود. اما درجا زدن آمریکا و شکست‌های پی‌درپی در عراق و از این مهم‌تر نیز نقش فعال حکومت اسلامی ایران در رقابت با آمریکا در عراق، مانع از این حمله و اشغال سوریه شد. وقتی آمریکا دید که حداقل فعلاً امکان تصرف نظامی سوریه را ندارد، نقشه به‌زانو درآوردن سوریه را از شیوه نظامی به‌سیاسی تغییر داد و دست راست ایالات متحده آمریکا برای اجرای طرح سیاسی خود در مورد سوریه قطعاً اردوخان و حزب مطبوعه عدالت و توسعه بود.

دیدار نوامبر ۲۰۰۵ میان اردوخان و بوش نیز در این میان بسیار مهم بود. در این دیدار به‌صورت رسمی اما پنهان، ماموریت فتح و اشغال سیاسی سوریه از درون به اردوخان داده شد. پس از این تاریخ هم شاهد روابط بسیار صمیمی و گرم ترکیه و سوریه هستیم و این روابط را حتی به‌صورت خانوادگی میان رهبران دو کشور شاهد هستیم که در نوع خود بی‌نظیر است. اما هدف اصلی از ایجاد چنین روابطی این بود که اردوخان به آمریکائی‌ها قول داده بود تا بشار اسد را با نفوذی که بر روی وی دارد از بلوک ضد آمریکائی و مقاومت دور و به آمریکا نزدیک سازد...

پیام واضح‌تر آن است که: اگر که مذاکرات صلح سوریه در ژنیو به نتیجه برسد، به احتمال زیاد غرب و آمریکا و دولت‌های منطقه روزواوا را تحت فشار قرار خواهند داد.

دلایل آن امر نیز روشن است. اتحادیه اروپا و آمریکا و ترکیه معاملات شرم‌آور و غیرانسانی با همدیگر دارند. اتحادیه اروپا برای این که جلو ورود پناهمجویان را به اروپا، به‌ویژه پناهمجویان سوری را بگیرد، همواره به ترکیه باج می‌دهد. آن‌ها از یک‌سو، به‌طور مرتب سوریه را بمباران می‌کنند و ارتش و دولت بشار اسد و حزب‌الله لبنان و سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران و روسیه و همه نیروهای مخالف دولت سوریه و مدافعان منطقه و بین‌المللی آن‌ها از مردم این کشور قربانی می‌گیرند اما آن‌هائی که از این جنگ و کشتار فرار می‌کنند به عنوان پناهنده نمی‌پذیرند. آن‌هم در شرایطی

که رجب طیب اردو خان رئیس جمهور ترکیه، جنگی بی رحمانه علیه مردم کرد در جنوب شرقی ترکیه به راه انداخته و در عین حال مواضع کردها در شمال سوریه را بمباران می کند.

اطلاعات کاخ سفید از یک تماس تلفنی بین رئیس جمهور اوباما و اردو خان در اواسط ماه فبروری نشان داد که، «اوباما تأکید کرد که نیروهای YPG نباید به دنبال بهره برداری از شرایط این منطقه برای تصرف قلمرو بیشتر باشند...» گفته می شود که اوباما سپس: «بر تعهد تزلزل ناپذیر ایالات متحده برای تأمین امنیت ملی ترکیه به عنوان یکی از اعضای ناتو تأکید کرده است». در همان زمان احمد داوود اوغلو نخست وزیر ترکیه تأکید کرد به ادامه بمباران مواضع YPG در شمال سوریه ادامه خواهد داد.

در ۲۷ فبروری، داوود اوغلو طی یک سخنرانی به حزب دموکراتیک خلق (HDP)، حمله کرد و این حزب را به خیانت متهم کرد. داود اوغلو گفت: «آن ها همانند باندهای ارمنی با روسیه همکاری می کنند». در این زمینه، برچسب زدن نخست وزیر ترکیه به این حزب به عنوان «ارمنه ای که با روس ها «همکاری» می کنند آشکارا توجیه نسل کشی سال ۱۹۱۵ ارمنی ها است و در عین حال، بر چسب زدن به شهروندان کرد به عنوان «دیگران»، یعنی رسماً نفی شهروندی مردم کرد است.

گزارش گاردین به نقل از ابراهیم کالین، سخنگوی اردو خان، حاکی است که ترکیه «حملات هوایی علیه YPG را بررسی می کند» چرا که به گفته کالین «ما گزارش هایی در دست داریم که آن ها (YPG) با فرماندهان روسی صحبت می کنند... و با روس ها همکاری می کنند...».

هم کردها و هم غیر کردهایی که با دولت عدالت و توسعه مشکل داشتند از رای به حزب دموکراتیک خلق (ه.د.پ) سود زیادی می بردند. به همین خاطر، این حزب غیر از مردم کرد، از سوی برخی نیروهای غیر کرد چپ و سوسیالیست و کارگری حمایت کسب کرد که بتواند ۱۳/۱ درصد آراء را کسب کند و از حد نصاب ۱۰ درصدی مورد نیاز برای کسب ۸۰ کرسی پارلمانی عبور کند. پیروزی ه.د.پ عدالت و توسعه را از اکثریت پارلمانی انداخت و مانع از آن شد که اردو خان اقدام به تغییر قانون اساسی ترکیه و تبدیل آن از نظام پارلمانی به نظام ریاستی کند. در آن صورت او می توانست قدرت اجرایی نامحدودی کسب کند.

موفقیت سیاسی ه.د.پ، سر آغاز عصر جدیدی در مشارکت سیاسی کردها است. حزب آشتی و صلح (ب.د.پ)، حزب نزدیک به ه.د.پ، در زمان اعتراضات سیاسی گزی پارک در سال ۲۰۱۳ (دو ماه بعد از اعلام آتش بس یک طرفه اوجالان و در آستانه شروع مذاکرات با دولت عدالت و توسعه)، تا حد زیادی ساکت ماند. اما برای ممانعت از تمایلات فزاینده به جداسازی مطالبات کردها از کلیت تلاش های آزادی خواهانه و برابری طلبانه در سراسر ترکیه، اوجالان از ب.د.پ خواست که تبدیل به حزبی جدید و فراگیرتر شود که بتواند «جنبش کردها و نیروهای چپ ترک را در کنار هم گرد بیاورد».

پیش از انتخابات هفتم ژوئن ترکیه، ه.د.پ کمپین منظمی برای کسب پایگاه اجتماعی فراتر از جامعه کرد ترکیه راه انداخت و به جوانان سوسیالیست و چپ ترک، کارگران، زنان و دیگر اقلیت ها رو آورد. پس از پیروزی انتخاباتی این حزب، صلاح الدین دمیرتاش، یکی از دو رهبر حزب، این موفقیت را پیروزی تمام «ستم دیدگان» خواند. با وجود موفقیت های ه.د.پ در میان چپ گرایان غیر کرد، بیش تر رای های این حزب از مردم کرد به دست آمده است. بر اساس تحلیل های آماری پرفسور اریک میرسون (Erik Myerson) از دانشکده اقتصاد استکهلم، در این انتخابات تقریباً ۱/۵ میلیون رای دهنده محافظه کار کرد رای خودشان را از حزب «عدالت و توسعه» اردو خان به ه.د.پ تغیر دادند. همچنین،

به گفته یکی از مؤسسات پژوهشی و انتخاباتی ترکیه، تقریباً یک سوم آراء ه.د.پ از کسانی به دست آمد که پیش از این حامی حزب عدالت و توسعه بوده اند.

تا این که اردوخان جنگ همه جانبه ای را علیه مردم کرد و بمباران مواضع پ.ک.ک در قندیل راه انداخت. و به جای تشکیل دولت ائتلافی، ۱ نوامبر را به عنوان انتخابات زودرس انتخاب کرد. هدف اردوخان این بود که حزب دموکراتیک خلق ها نتواند وارد پارلمان شود. در انتخابات ۱ نوامبر هر چند به طور ناگهانی و در بهت کارشناسان و مراکز آمارگیری بالا رفت اما حزب دموکراتیک خلق ها این بار با آرای کمتر و با ۵۹ نماینده وارد پارلمان شد. هر چند حزب عدالت و توسعه دولت تک حزبی خود را همچون گذشته تشکیل داد اما آرایش برای تغییر قانون اساسی در پارلمان به حد نصاب نرسیده است.

با همه جنایات دولت و ارتش و رئیس جمهور ترکیه علیه بشریت مرتکب شده اند اما با این وجود، اتحادیه اروپا هم چنان با معاملات غیر انسانی علیه پناهمجویان سوری و غیره ادامه می دهد.



ژان کلود یونکر رئیس کمیسیون اروپائی، داوود اوغلو نخست وزیر ترکیه، دونالد توسک رئیس شورای اروپائی، و مارک روتته نخست وزیر هالند

دونالد توسک، رئیس شورای اروپائی، می گوید که سران ۲۸ کشور عضو این اتحادیه همراه با احمد داوود اوغلو، نخست وزیر ترکیه، سرانجام به شکل رسمی توانسته اند در مورد بحران ورود پناهمجویان به اروپا به توافق دست یابند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، توسک در صفحه کاربری خود در شبکه اجتماعی توئیتر اعلام کرده است که توافقی میان تمامی سران اتحادیه اروپائی و ترکیه صورت گرفت. رای گیری برای این توافق بدون ذکر نام انجام شده است. خبرگزاری فرانسه، با خلاصه کردن نکات این توافق نامه یادآور شده که بر پایه این توافق تمامی مهاجران غیرقانونی که از دو روز آینده (اول فروردین ماه ۱۳۹۵) و از طریق مرز ترکیه وارد یونان می شوند، به کشور ترکیه بازگردانده خواهند شد.

بر پایه این گزارش این قانون شامل همه مهاجران غیرقانونی، چه آن هائی که از جنگ گریخته اند و چه آن هائی که مهاجر اقتصادی اند، می شود و اهمیتی ندارد که این مهاجران از کدام کشور می آیند.

همچنین قرار شده است که از اول فروردین ماه، مقام هائی از ترکیه در جزایر یونان مشغول به کار شوند و مقام هائی از یونان نیز در خاک ترکیه فعالیت خود را آغاز کنند.

در متن این توافق نامه آمده است که این تدابیر موقتی و فوق العاده است و برای اتمام رنج انسان ها و بازگشت قانون ضروری است.

برای آن که تمامی امور مطابق با قوانین بین‌المللی باشد، نام تمامی پناجویان در ترکیه و در یونان ثبت خواهد شد و هرگونه پرونده پناهندگی، فرد به فرد توسط مقام‌های یونان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

آن‌هایی که پرونده پناهندگی‌شان پذیرفته نشود، به‌کشورشان بازگردانده خواهند شد. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان به‌این بازگشت کمک خواهد کرد و تمامی هزینه‌ها توسط اتحادیه اروپا تقبل خواهد شد.

در این توافق‌نامه، اتحادیه اروپا اعلام کرده که از تعهد ترکیه برای حمایت از پناجویان مطابق با قوانین بین‌المللی استقبال خواهد کرد.

از دیگر مواردی که در این توافق‌نامه آمده این است که به‌ازای هر یک پناجویی سوری که از یونان به‌ترکیه بازگردانده می‌شود، یک پناجویی سوری دیگر از ترکیه به‌اتحادیه اروپا فرستاده خواهد شد.

علت اتخاذ این تصمیم، این عنوان شده که از شور و شوق پناجویان برای زدن به‌دریا و سپردن خود به‌دست قاچاقچیان و قایق‌های پرخطرشان کاسته شود. علت دیگر آن است که به‌این ترتیب پناجو امید بیش‌تری خواهد داشت که از اردوگاه پناجویی در ترکیه یک‌سره به‌اروپا رود.

در این زمینه زنان و کودکان و آن‌هایی که پیش‌تر از خاک یونان مسترد نشده‌اند، از بخت بالاتری برخوردار خواهند بود.

ترکیه در ازای این همکاری پول بیش‌تر، تسهیلات سفر بدون ویزا به‌اروپا برای شهروندان ترک و همچنین پیشرفت بیش‌تر در پرونده عضویت این کشور در اتحادیه اروپا دریافت خواهد کرد.

پیش از خبر حصول توافق، فدریکا موگرینی، مسؤول سیاست خارجه اتحادیه اروپا، به‌وزرای خارجه کشورهای اروپایی اخطار داده بود که نزدیک به نیم میلیون نفر از مردم لیبی نیز به‌خاطر جنگ داخلی در این کشور آواره شده‌اند و احتمال آن می‌روند که آن‌ها نیز به‌فوج مهاجران به‌اروپا بپیوندند.

موگرینی در نامه‌ای که به این وزرای خارجه نوشته و نسخه‌ای از آن به دست خبرگزاری رویترز رسیده است، از کشورهای اروپایی می‌خواهد که برای بازگشت ثبات به‌لیبی بحران‌زده کمک کنند.

دیوید کمرون، نخست‌وزیر بریتانیا نیز با اشاره به‌آغاز موج مهاجرات اهالی لیبی، صبح روز جمعه از رهبران اروپایی خواست تا کشتی‌های امداد و نجات بیش‌تری را روانه آب‌های مدیترانه کنند تا به‌محض آن‌که قایق قاچاقچیان لیبی را به‌مقصد اروپا ترک می‌کند، آن‌ها را مجدداً به‌خاک لیبی بازگرداند.

کمیسیاریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان روز سه‌شنبه هشتم مارچ ۲۰۱۶، هشدار داده است که توافق ترکیه و اتحادیه اروپا برای مهار بحران پناجویان ممکن است نقض قوانین بین‌المللی باشد.

به‌گزارش رویترز، فیلیپو گراندی گفته است: «من عمیقاً نگران هرگونه توافقی هستم که براساس آن بدون در نظر گرفتن قوانین بین‌المللی در خصوص حقوق پناهندگان، افراد را از کشوری به کشوری دیگری منتقل کنند».

براساس توافق اولیه که بین اعضای اتحادیه اروپا حاصل شد قرار است ترکیه در مقابل دریافت پول، تسریع مذاکرات عضویتش در اتحادیه اروپا و مزایای مسافرت بدون روادید تلاش کند تعداد بیش‌تری از پناهندگان را بپذیرد.

گروه‌های مدافع حقوق بشر از این توافق انتقاد کرده‌اند و سازمان عفو بین‌الملل گفته است که توافق ترکیه و ۲۸ کشور اتحادیه اروپا در خصوص پناجویان تیر خلاص به‌حق پناهندگی خواهد بود.

در همین زمینه، سازمان پزشکان بدون مرز نیز گفته است این توافق غیر انسانی است.

این در حالی است که احمد داوود اوغلو، نخست وزیر ترکیه گفته است، این توافق مانع مهاجرت قانونی پناجویان سوری نخواهد شد.

نخست وزیر ترکیه که در کنفرانس خبری با همتای یونانی خود در از میر صحبت می‌کرد، گفته است: هدف این است که مانع مهاجرت غیرقانونی شد. سوری‌های که در اردوگاه‌های ما هستند می‌توانند از طریق قانونی برای مهاجرت به اروپا اقدام کنند.

در همین حال، نخست وزیر ترکیه روز گذشته گفته بود: «ما تصمیم بسیار مهمی گرفته‌ایم که همه مهاجران غیرقانونی که از ترکیه به یونان می‌روند را بدون در نظر گرفتن ملیت آن‌ها بپذیریم». جنگ داخلی در سوریه باعث شده است تا میلیون‌ها نفر از خانه و کاشانه خود آواره شوند. اتحادیه اروپا قبلاً نیز سه میلیارد یورو کمک در اختیار ترکیه گذاشته بود، اما معلوم نبود طرف را بر سر نحوه استفاده از آن هم عقیده باشند.

این در حالی است که یگان‌های مدافع خلق در روژاوا، به‌خصوص یگان‌های زنان، مؤثرترین نیروی مبارز در راه آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی علیه داعش بوده‌اند. اما سؤال مهم این است که آیا دولت‌های منطقه و غرب، چنین سیستم مردمی و دموکراتیک متأثر از سیاست‌های سوسیالیستی و شورائی را در سوریه تحمل خواهند کرد؟ به‌خصوص رهبران روژاوا، اگر سیاست‌های طبقاتی و ارتباط تنگاتنگ با جنبش کارگری و نیروهای مدافع طبقه کارگر در سوریه و منطقه و جهان برقرار نکنند، احتمال این که دولت‌های سرمایه‌داری این حرکت انقلابی و سوسیالیستی را به‌شکست بکشاند دور از انتظار نیست. به عبارت دیگر، رهبران روژاوا باید همه گزینه‌های مثبت و منفی را مورد بحث و بررسی قرار دهند و صرفاً رابطه خود را به برقراری روابط با دولت‌ها، محدود نکنند. حرکت بین‌المللی یک نوامبر ۲۰۱۴ در همبستگی با کوبانی نشان داد که سمپاتی زیادی با تحولات روژاوا وجود دارد بنابراین باید این روابط را محکم‌تر و نزدیک‌تر کرد! بنابراین حزب اتحاد دموکراتیک (پ.ی.د)، پیروزی‌های مهمی در مقابل داعش را پایه‌گذاری کرده است.

هنگامی که نیروهای داعش منطقه کوهستانی سنجار را در شمال غرب عراق محاصره کردند، یگان‌های مدافع خلق، کردپوری درست کردند تا ده هزار کرد ایزدی گرفتار داعش را به روژاوا انتقال دهند. تصاویر مخابره شده از نیروهای پ.ک.ک و ی.پ.گ که در حال نجات ایزدی‌ها از دست نیروهای داعش بودند اعتبار پ.ک.ک و ایده خودمدیریتی دموکراتیک را در منطقه افزایش داد.

علاوه بر این، حمله داعش به کانتون کوبانی نیز همکاری میان غرب و نیروهای کرد هم‌سو با پ.ک.ک را تقویت کرد و ائتلاف میان این دو را به عنوان راهی برای جلوگیری از پیشروی داعش در سوریه مطرح نمود.

حالا که ه.د.پ به پارلمان راه یافته است، باید برای عملی کردن وعده‌هایش، هم به مردم کرد و هم به نیروهای تحت ستم و سوسیالیستی جامعه شهری ترکیه، تلاش زیادی بکند. عامل تعیین‌کننده در این میان، برنامه‌های این حزب برای طبقات پائین و اقلیت‌های تحت ستم ترکیه است. از طرف دیگر، آنچه که میزان حمایت از ه.د.پ را در قلب مناطق کردنشین ترکیه مشخص می‌کند موفقیت این حزب در پیش‌برد آرمان خودگردانی دموکراتیک کردستان ترکیه است. با توجه به این‌که بالاترین نرخ زاد و ولد متعلق به مناطق کردنشین ترکیه است و تعداد فرزندان هر خانوار در این مناطق ۳ تا ۴، یا ۴ تا ۵ فرزند (بسته به استان) است، نیروهای سوسیالیستی ترکیه اگر می‌خواهند کماکان در پارلمان ترکیه به عنوان یک نیروی سیاسی تأثیرگذار مطرح باشند باید به خواسته خودگردانی مردم کرد تن بدهند.

ی.پ.گ شهر استراتژیک تل ابیض را، آن‌سوی شهر «آقچه قلعه» در ترکیه، تصرف کردند. با تصرف تل ابیض، ی.پ.گ مسیر لجستیک شمال به جنوب را برای پایتخت داعش در رقه قطع کرد. این پیروزی استراتژیک به تلاش‌های

پ.ی.د برای اتصال کوبانی به کانتون «جزیره» در شمال شرقی سوریه و ایجاد یک قلمرو یکپارچه از کوبانی تا مرز عراق کمک کرده است. پ.ی.د اکنون داعش را از مناطق میان کوبانی و کانتون «عفرین» پاکسازی کرده است. پ.ی.د با حمایت بین‌المللی کارگران، سوسیالیست‌ها، زنان و جوانان و همه انسان‌های آزاده به‌زودی قلمرو پیوسته‌ای در سوریه به‌دست خواهد آورد که تقریباً تمام مرز جنوبی ترکیه را پوشش می‌دهد، حتی اگر اردوخان هفته پیش به‌صراحت گفته باشد که هیچ‌گاه اجازه تأسیس حکومتی جدید در شمال سوریه را نخواهد داد.



سقوط بشار اسد و برپائی یک سیستم خودگرانی دموکراتیک، به‌معنای واقعی تنها راه رهائی جامعه ترکیه از جنگ و تروریسم و خانه‌خزایی بیش‌تر است. چرا که بدون وجود یک جایگزین دموکراتیک قدرت‌مند و سراسری هم چون روژاوا می‌تواند اسفناک‌تر و فاجعه‌بارتر باشد و این دقیقاً سخن مشترک رهبران روژاوا است که باید در سراسر سوریه، یک سیستم انسانی و آزادی‌خواه و برابری‌طلب خودگرانی دموکراتیک برقرار شود اما به‌شرطی که دولت‌های غربی و حامیان منطقه‌ای آن‌ها دست از حمایت و تسلیح گروه‌های تروریستی اسلامی و جنگ‌طلب بردارند.

سوریه کشوری است با تنوع نژادی و مذهبی که جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون نفر را در خود جا داده است. غیر از مردم عرب، کردها، ارمنی‌ها، ترکمن‌ها، چچن‌ها، چرکس‌های آسیان تبار و یهودیان از اقلیت‌های این کشور هستند. همچنین پیروان اسلام و مسیحیت در این کشور زندگی می‌کنند. مسلمانان سوریه به‌علوی، سنی و اسماعیلی تقسیم می‌شوند. همچنین ادیان غیرالهی در روز و ایزدی که پیروان آن‌ها به‌ترتیب دروزیان و یزیدیان نامیده می‌شوند در سوریه وجود دارند.

اکثریت کردهای سوریه به‌زبان کورمانجی، گویش کردها در ترکیه، شمال شرقی عراق و غرب ایران سخن می‌گویند. آن‌ها به‌استثنای برخی از کردهای ایزدی، سنی شافعی یا شیعه علوی هستند. از لحاظ جغرافیائی، اکثر کردهای سوریه در شمال و به‌ویژه در شمال شرق این کشور تجمع کرده‌اند و بیش‌تر جمعیت آن‌ها در شهرهای قامیشلی و حسکه ساکن هستند. البته شمار زیادی از مردم کرد، در شهرهای بزرگی مانند حلب و دمشق زندگی می‌کنند.

نهایتاً تجزیه سوریه، نه از طرف روژاوا، بلکه به عکس از سوی دولت‌های غربی و در رأس همه امریکا و دولت متحد منطقه‌ای اش مدت‌ها است که مطرح کرده‌اند ولی تاکنون هیچ اجماع نظر و اراده مستحکمی برای اجرائی شدن آن مشاهده نشده است. رهبران روژاوا همواره تأکید کرده‌اند که سیستم خودگردانی را برای سراسر سوریه می‌خواهند و قصد جدائی و استقلال ندارند. طرح‌های دولت‌های غربی و منطقه‌ای، به‌هیچ‌وجه به‌ایجاد یک جامعه سکولار و برابر و بدون توجه به‌ملیت، جنسیت، مذهب و سیاست‌های متفاوت منجر نخواهد شد. چرا که هنوز هم در عراق و افغانستان و لیبی شاهد ادامه جنگ و خونریزی و تروریسم دولتی و غیردولتی هستیم. در حالی که سال‌هاست مانند شاهد یک سیستم خودگردان دموکراتیک در روژاوا هستیم و کارکرد مناسب آن را در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و دیپلماتیک دیده‌ایم. این تجربه با وجود همه اشکالاتش و از اتخاذ صریح موضع طبقاتی، تجربه‌ای مناسب و عملی و انسانی نه تنها برای نجات مردم سراسر سوریه، بلکه حتی منطقه است. باید ضمن حمایت و پشتیبانی

از این طرح مواضع طبقاتی و مناسبات شورائی آن را تقویت کرد و اشکالاتش را هم در عرصه عملی و هم نظری برطرف کرد. چرا که در کنفدراسیون دموکراتیک، زمینه مناسبی برای فعالیت عمیق‌تر در این منطقه به‌وجود آمده و اکنون در کردستان ترکیه نیز در حال پیاده شدن است. چنین طرحی هیچ‌گاه به‌صورت رسمی از سوی دولت‌های غربی و مقامات سیاسی بزرگ دنیا و منطقه حمایت نخواهد شد. به دلیل این که سیستم موجود سرمایه‌داری جهانی، هرگز یک سیستم جدید مردمی از پائین را هرگز تحمل نمی‌کند. مگر این که با قدرت ستم‌دیدگان و جنبش‌های اجتماعی قدرتمند جنبش مزدبگیران و همه محرومان و ستم‌دیدگان، آلترناتیو طبقاتی آن‌ها به‌سیستم موجود سرمایه‌داری تحمیل شود.

آخر اسفند[حوت] ۱۳۹۴ - نوزدهم مارچ ۲۰۱۶